



تأثیر محیط بر شخصیت علمی آیت‌الله جوادی‌آملی (با تأکید بر کلام سیاسی)

علی آقاجانی^۱

چکیده:

آیت‌الله عبدالله جوادی‌آملی از اندیشمندان معاصر است که در بسیاری از حیطه‌های مختلف علوم انسانی - اسلامی از جمله در حوزه کلام سیاسی صاحب سخن و نظر بوده و شخصیت علمی وی به جهت جامعیت نسبی در دین‌شناسی و نیز در پردازش مسایل کلام سیاسی و ورود در سیاست عملی و نظری در قواره عالم دینی شایسته تحلیل و بررسی از زوایای گوناگون از جمله مساله تأثیر محیط بر آن است. بر این پایه سوال اصلی آن است که تأثیر فضا و محیط بر شخصیت علمی جوادی‌آملی (با تأکید بر کلام سیاسی) چیست؟ دیدگاه مقاله در قالب الگوی اسکینر نسبت به زمینه‌های عینی بر این مبنا استوار است که پرسش اینکه ما چه کسی هستیم متوقف بر پرسش ما کجا هستیم است. بر این پایه محیط خانواده، زندگی و تحصیل در آمل، تهران و قم به عنوان بخشی از زمینه‌های عینی تأثیر اساسی در شکل‌گیری شخصیت علمی جوادی‌آملی به‌ویژه در کلام سیاسی داشته است. جوادی در آمل جوانه می‌زند و در تهران ساقه علمیش قوام می‌یابد؛ در قم وسعت و تکامل و شاخ‌وبرگ می‌گیرد. بر این اساس محیط خانواده کشش روحی برای علم‌آموزی دینی، محیط آمل جرقه‌های گرایش به تفسیر و کلام و حکمت در کنار دروس متداول حوزوی، محیط تهران کاتالیزه کردن او و سوق دادنش به سوی این سه دانش و محیط قم اعتلا و تکامل و ریشه دار کردن او در زمین تفسیر و کلام و حکمت را رقم زده است. امری که برای او جامعیت نسبی در دین‌شناسی را به ارمغان آورده است.

واژگان اصلی: جوادی‌آملی، اسکینر، محیط، شخصیت، آمل، تهران، قم، کلام سیاسی، دین‌شناسی.

مقدمه

آیت‌الله عبدالله جوادی‌آملی از اندیشمندان معاصری است که در بسیاری از حیطه‌های مختلف علوم انسانی اسلامی صاحب سخن و نظر بوده و از جمله در حوزه آموزه‌های کلامی سیاسی آثار و آرای متنوع و ژرفی دارد که شایسته و بایسته تحلیل و بررسی و نقد در جهت بالندگی دانش به‌ویژه در حوزه دانش سیاسی اسلامی است. از دیگر سو کلام‌سیاسی که از حیث دانشی همچنان تکامل نیافته و در مراحل ظهور و تکوین است از حوزه‌های اصلی اندیشه‌سیاسی در اسلام است که بسیاری از موضوعات اساسی فکری را به لحاظ تاریخی و اندیشه‌ای پوشش می‌دهد. بر این اساس پژوهش، آیت‌الله جوادی‌آملی را به عنوان یکی از بزرگ‌ترین نظریه‌پردازان فعال کلام‌سیاسی که دیدگاه‌های مهم و تاثیرگذاری ارائه داده است برگزیده و چگونگی تکوین شخصیت و اندیشه‌های علمی وی (به‌ویژه در کلام‌سیاسی) را کاویده است.

شخصیت جوادی‌آملی و کلام‌سیاسی متخذ از او از چند جهت حایز اهمیت است. جامعیت نسبی در دین‌شناسی، آثار متنوع و متکثر و در اضلاع مختلف کلامی سیاسی، ورود در سیاست عملی و نظری در قواره عالم دینی و حوزوی، زنده بودن و گذراندن دوران حیات پربار خود، فقیه متضلع و دارای فقه اکبر که بخش مهمی از آن مباحث کلامی سیاسی است. وی دارای آثار متعدد در زمینه‌های گوناگون است و از جمله در مسایل مختلف کلام‌سیاسی آثار کمی و کیفی بسیار خوبی دارد. از این رو پرداختن به شخصیت علمی و ابعاد تاثیرگذاری محیط بر آن (به‌ویژه در کلام سیاسی) اهمیت فزون‌تری می‌یابد.

از جهت دیگر در نوشته‌های کلاسیک مکاتب اسلامی برای بیان و تبیین شخصیت از اصطلاحاتی مانند نفس، قلب، روح یا روان استفاده می‌شود (Haque, A, Mohamed, Y, 2015:13). در تعابیر و فرهنگ قرآنی، به استناد آیه شریفه "قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَىٰ شَاكَلَتِهِ" (اسراء/۱۱) شاکله به معنای شخصیت به کار برده شده است (Ahmadi, A, 2016:13). محیط اجتماعی در پژوهش حاضر بر مجموعه‌ای از شرایط و عوامل اجتماعی دلالت دارد که در آن انسان برخی از خصوصیت‌های اخلاقی رفتاری را به صورت اکتسابی دریافت می‌کند. این شرایط و عوامل شامل محیط خانواده، محیط خویشاوندی، اقوام و طایفه، شهر و روستا و سازمانهای رسمی و غیر رسمی آموزش و تعیم و تربیت است (ریاحی، ۱۳۹۸: ۲۳). محیط در لغت به معنای احاطه‌کننده، فروگیرنده و چیزی است که اطراف چیز دیگر را بگیرد و همچنین به معنای جایی است که انسان در آن زندگانی میکند؛ اعم از کشور، شهر، جامعه یا خانواده (عمید، ۱۳۷۴: ۲۱۹۶).

بر این اساس تحقیق بر پایه مبحث زمینه‌های عینی در نگرش اسکینر با دخل و تصرفاتی به واکاوی تأثیرات محیط بر شخصیت علمی جوادی‌آملی (با تأکید بر کلام سیاسی) می‌پردازد. بر این پایه سوال اصلی آن است که تأثیر فضا و محیط بر شخصیت علمی آیت‌الله جوادی‌آملی (با تأکید بر کلام سیاسی) چیست؟ فرضیه بر این مبنا استوار است که محیط خانواده، زندگی و تحصیل وی در آمل، تهران و قم به عنوان بخشی از زمینه‌های عینی تأثیر اساسی در شکل‌گیری شخصیت علمی جوادی‌آملی به‌ویژه در کلام سیاسی داشته و در تکوین اندیشه‌های وی سهم مهمی داشته است.

پیشینه تحقیق:

درباره موضوع تحقیق به عنوان تأثیر محیط و فضا بر شخصیت علمی جوادی‌آملی تا کنون کاری صورت نگرفته است و این پژوهش نخستین اثر با این عنوان و محتواست. از جهت اندیشه جوادی‌آملی به صورت کلی پژوهش‌هایی با عنوان اندیشه‌سیاسی وی برخی آثار موجود است. نیز در برخی آثار مرتبط با تحلیل اندیشه‌سیاسی حوزه‌های علمیه یا اندیشه‌سیاسی پس از انقلاب مانند برخی آثار عبدالوهاب فراتی و یحیی فوزی به برخی ابعاد و زمینه‌های عینی و محیطی کلام سیاسی از جهت اندیشه‌سیاسی جوادی‌آملی پرداخته شده است. از جمله آثار منتشر شده می‌توان به این عناوین اشاره کرد: پایان‌نامه‌های: بررسی مباحث کلام اجتماعی آیت‌الله جوادی‌آملی (امیری، ۱۳۹۱)؛ اندیشه‌سیاسی آیت‌الله جوادی‌آملی (مجتبی زاده، ۱۳۸۹)

از نظر بررسی علمی کلی تأثیر محیط بر شخصیت آثار متعددی وجود دارد مانند مقالات تحلیل ویژگی‌های محیطی بر تنوع شخصیت انسان از دیدگاه فلاسفه اسلامی و نقش آن در برنامه‌ریزی محیطی (ریاحی، ۱۳۹۸)؛ و تبیین فلسفی روایات مربوط به تأثیر محیط طبیعی بر دریافت‌های ادراکی انسان-براساس نفس‌شناسی ابن سینا (شریعتی، ۱۴۰۰). از حیث مقالات علمی مصداقی که تأثیر محیط بر موضوع خاصی را بیان می‌کند نیز آثار مختلفی وجود دارد. مانند بررسی تأثیر محیط طبیعی خراسان در تکوین حماسه و شیراز در اعتلای غزل (جوکار، ۱۳۹۷)؛ تأثیر محیط ادبی و فرهنگی استانبول بر ماوراءالنهر «محیط ادبی و فرهنگی استانبول و نقش آن در بیداری روشنفکران آسیای مرکزی در دو دهه نخست قرن بیستم» (خدایار، ۱۳۸۸)؛ بررسی فرآیند تأثیر محیط بر شخصیت منتبلی و سعدی (خانلری، ۱۳۹۶)؛ و مقالات محمودی نسب (۱۳۹۸) و نویدفر (۱۳۹۹). اما نسبت به جوادی‌آملی گرچه کتاب خاطرات وی با نام مهر استاد (جوادی‌آملی،

۱۳۸۷) وجود دارد اما خاطرات خام و مرجع است و اثری همانند این مقاله که به شکلی روشمند تاثیر محیط بر شخصیت علمی ایشان را بکاود موجود نیست و این نوآوری پژوهش حاضر قلمداد می‌شود. از این رو این تحقیق اولین کار جدی قابل توجه در این زمینه به شمار می‌رود که دارای نوآوری است و آن را متفاوت می‌سازد.

چارچوب نظری؛ هرمنوتیک قصدگرای اسکینر:

پژوهش از بخشی از روش هرمنوتیک کوئنتین اسکینر (متولد ۱۹۴۰) که روشی معتدل نسبت به متن محوری و زمینه‌محوری است با گزینش دخل و تصرفاتی برای تحلیل مساله بهره می‌برد. متغیر ثابت این تحقیق آن است که محیط فکری، ذهنی، علمی و اجتماعی متکلم سیاسی و میزان آشنایی او با دانش‌های گوناگون در فهم وی از کلام سیاسی و تفسیر کلامی فی‌الجمله موثر است. پایه‌های فکری این نظر را می‌توان در مباحث مربوط به علم هرمنوتیک جستجو نمود. از هرمنوتیک تعاریف مختلفی ارائه شده است (بلخاری، ۱۳۷۱، پالمر، ۱۳۷۷، بلاشیر، ۱۳۸۰؛ واعظی، ۱۳۸۳: ۲۷). برای نمونه شلاپرماخر آن را هنر فهمیدن می‌داند و بر آن بود که تفسیر متن دائماً در خطر ابتلا به سوء فهم قرار دارد. از این رو هرمنوتیک باید به مجموعه قواعدی روشمند و روش‌آموز برای رفع این خطر به‌استخدام درآید.

استفاده از روش اسکینر هم در پژوهش‌های اندیشه در تاریخ گذشته امکان دارد و هم در زمان حال و اندیشمندان یا تفکرات امروزی. در برخی مقالات نیز برخی موضوعات اندیشه جوادی‌آملی بر اساس روش اسکینر بررسی شده است (عباس‌تبار، زارع‌پور نقیعی، ۱۳۹۸). اسکینر در باب شناخت اندیشه سیاسی به دو نکته توجه می‌کند (اسکینر، ۱۳۹۳ جاوید، ۱۳۹۳): نخست این که متفکر چه معنایی در ذهن دارد. که این کار معمولاً با مطالعه نوشته‌ها یا بیانات مولف میسر است. نکته دوم کشف و دانستن منظوری است که اندیشمند از نوشتن مدنظر داشته است. اسکینر در این مرحله از بحث هرمنوتیک استفاده کرده است. به اعتقاد او برای فهم قصد مولف بایستی به مباحث، مجادلات و پرسش‌هایی که در زمان آن متفکر و در آن فضا مطرح بوده است، مشارکت متفکر در آن فضا و تلاش او برای گفتن سخنی در آن فضا توجه کرد. بنابراین باید بر فضای حاکم بر آن عصر و جریانات فکری رخ داده در زمان مولف آشنا بود.

بر این اساس در میان روش‌های گوناگون هرمنوتیکی، روش اسکینر روشی اعتدالی مابین

متن محوری و زمینه‌محوری و در ردیف روش های هرمنوتیکی مؤلف‌محور قرار دارد؛ روش‌هایی که معنای متن را همان قصد و نیت مؤلف می‌دانند و معتقدند برای رسیدن به معنای متن باید مراد مؤلفش را درک کرد. در این روند، تفسیر هر متن اساساً با فرایند قرائتش متفاوت است و برای رسیدن به معنای متن لازم است به فراتر یا فروتر از سطح ادبی متن برویم و در پس آن، انگیزه‌ها و نیات مؤلف و زمینه اجتماعی و زبانی نگارش متن را جست‌وجو کنیم. بدین ترتیب یکی از مناسب‌ترین روش‌ها، روش هرمنوتیک قصدگرای کوئنتین اسکینر است؛ چراکه بر طبق این روش، درک صائب از مقوله‌هایی همچون محیط زندگی، فضای سیاسی، زبان، زمینه فکری و از سوی دیگر، آثار و تألیفات فرد مورد نظر در تبیین اندیشه وی، هم‌زمان مورد استفاده قرار می‌گیرد.

این روش در چهار مرحله کلی ۱. تاثیر زمینه‌های عینی ۲. تاثیر زمینه‌های ذهنی ۳. هنجارهای مرسوم و ۴. نحوه تصرف اندیشمند در هنجارها دربر می‌گیرد. در این روش، تکیه اصلی بر کشف نیت مؤلف است و زمینه اجتماعی متن در روشن شدن انگیزه مؤلف مؤثر است نه کشف نیت او. در این روش متن از ابژه‌ای خودمختار به ابژه‌ای مرتبط با سوژه یا مرتبط با خالق اثر تبدیل می‌شود. در این مقاله ما نه با تمام روش اسکینر بلکه با مرحله نخست یعنی تاثیر زمینه‌های عینی مواجهیم و از آن به مثابه چارچوب نظری الهام و بهره می‌گیریم. زمینه‌های عینی دربردارنده چند قسمت است که محیط خانوادگی، محیط زندگی، تحولات و شرایط سیاسی، تحولات و شرایط اجتماعی، تحولات فرهنگی و تحولات اقتصادی است. در این مقاله تاثیر محیط اعم از محیط خانوادگی و محیط زندگی (شهرهای آمل، تهران و قم) بر شخصیت علمی جوادی آملی به‌ویژه اندیشه‌های کلامی سیاسی و اکاوی می‌شود.

تاثیرات محیط بر شخصیت علمی آیت‌الله جوادی آملی:

یکی از مهم‌ترین مباحث مطرح شده در حوزه‌های معرفتی، شناخت شخصیت انسان می‌باشد. شخصیت موضوع میان رشته‌ای است. بر اساس مطالعات دانشمندان علوم محیطی، شخصیت انسانها تا حد زیادی متأثر از رفتار فردی و اجتماعی انسانها و البته در محیط‌های مختلف و در تناسب با اکوسیستمهای طبیعی و اجتماعی است. به باور دانشمندان انسانها در شرایط محیطی گوناگون دارای رفتارها و بعضاً تنوع شخصیت هستند (عسکریور، ۱۳۹۹: ۲۴). شخصیت به طور کلی به ویژگی‌های بیرونی و قابل رویت انسانها اشاره دارد و به آن دسته از جنبه‌های انسانی گفته

می‌شود که از طریق سایر افراد قابل رویت است (ریاحی، ۱۳۹۸: ۲۵). محیط خارجی اعم از محیط طبیعی و جغرافیایی، و محیط انسانی و اجتماعی یکی از عوامل مؤثر در ایجاد شخصیت است اگر سه عامل خانواده (که شامل وراثت و تربیت می‌باشد)، محیط (محیط همسالان، محیط اجتماعی و محیط جغرافیایی) و اراده (شولتز، ۱۳۸۴: ۳۷) را به عنوان عوامل تاثیرگذار بر آن بدانیم. پرسش اینکه ما چه کسی هستیم متوقف بر پرسش ما کجا هستیم است. بر این اساس به واکاوی محیط های مختلف در فرایند شخصیت علمی جوادی آملی می‌پردازیم.

الف. محیط خانواده:

عبدالله جوادی آملی که در سال ۱۳۱۲ در آمل و پس از پسرانی که از دست می‌رفتند و متعاقب نذر والدین برای امام رضا (ع) (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۲۱) دیده به جهان گشود. اما زمینه خانوادگی او نقش پررنگی در تربیت علمی و کلامی وی داشته است که غیر قابل عبور است. پدرش شیخ میرزا ابوالحسن آملی و پدر بزرگش شیخ فتح الله آملی و هر دو در کسوت روحانیت و از مبلغین بوده اند. ملا فتح الله آملی به علم کلام علاقه وافر داشته و به همین سبب کتاب گوهر مراد لاهیجی را تهیه کرده و حتی وقفش کرده و تولیتش را به مرحوم میرزا ابوالحسن پدر جوادی آملی داده بود که همین جرقه های علاقه مندی و پیوستگی به کلام را در ایشان برمی‌افروخت (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۲۰).

جوادی آملی خود سابقه و صبغه خانوادگی را انگیزه‌ای قوی برای ورود به حوزه می‌شمارد. وی با اشاره به روحانی بودن پدر، جد و دایی پدرش از روزشماری خانواده برای ورود او به حوزه علمیه مسجد جامع آمل سخن می‌گوید. همچنین وی از نفوذ فوق العاده دایی پدرش میرزا احمد درکایی (درگذشته به ۱۳۴۷ ق. پدر دکتر محمدتقی دانش پژوه) که مجتهد و از شاگردان بنام آخوند خراسانی و میرزا حبیب الله رشتی بوده است به واسطه علم و تقوا و زهد فراوان او روایت می‌کند (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۲۳).

ب. محیط زندگی و تحصیل:

هر مکانی هویت وجودی قابل درکی دارد و این درک به عنوان مرجع و لنگرگاههای ثابت برای هویت‌های مختلف انسانی اعم از تاریخی و اجتماعی ضروری است. به لحاظ شناخت شناسی، هویت مکانی عبارت از فهم و تبیین الگوها و قانونمندیهای ساختاری-عملکردی منظم و مشخص در یک مقیاس فضایی است که با تغییر مقیاس فضایی و زمانی نظم و بی نظمی در آن

پیدا و پنهان می‌شود. این الگوها با فرایندها و فرم‌ها رابطه‌ای دیالکتیکی داشته و نسبت به هم در زمان تحول می‌یابند.

این مکانها هويت منحصر به فردی پیدا کرده و دارای اصالت هويت می‌شوند. مهمتر اینکه هويت بخش افراد و جوامع انسانی در طی تاریخ می‌گردند. به عبارت دیگر، ویژگی‌های ذاتی یک مکان به مثابه یک واحد و جوهره مکانی، با داشتن تمایزات و تشابهات با سایر مکانها و شکل بخشی این مکان خاص به هويت تاریخی انسان به لحاظ ژنتیکی، اجتماعی، فرهنگی بررسی می‌شود. مفهوم روانشناختی «هويت مکانی»، معرف جنبه‌هایی از هويت شخصی فرد است که به واسطه تجربه مکانها حاصل می‌شود؛ آن چه باعث می‌شود یک مکان-رویداد مشخص، در تصویر فرد از خودش اهمیت بیابد، نه خود آن مکان-رویداد بلکه «نسبتی» است که میان فرد و آن مکان-رویداد شکل گرفته است (گلرخ، ۱۳۹۱؛ مصباح یزدی، ۱۹۳؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ج ۱، ۱۴۹). علایی رحمانی، زینب سالاری ۱۳۹۳، شریفی، ۱۳۹۲: ۱-۲۲). آیه ۵۸ سوره اعراف تأثیر محیط در اعمال و افعال انسان را به صورت لطیفی بیان کرده می‌فرماید: «وَالْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرِجُ نَبَاتَهُ بِأَدْنِ رَبِّهِ وَالَّذِي خَبَثَ لَيَخْرِجُهُ الْاِتْكَادُ كَذَلِكَ نُصِرْفُ الْاَيَاتِ لِقَوْمٍ يَشْكُرُونَ».

جوادی‌آملی در دوران زندگی خود در سه شهر و محیط جغرافیایی و اجتماعی پرورش یافته و فضای این سه شهر بر قوام شخصیت ایشان موثر بوده است. از این رو آشنایی و پرداختی مختصر به این سه شهر که آمل، تهران و قم اند هم لازم و هم مفید است بدان جهت که بر هويت علمی ایشان تأثیرگذار بوده اند.

آمل و حوزه علمیه آمل

آمل زادگاه و محیط پرورش اولیه جوادی‌آملی است و تا ۱۹ سالگی در آن می‌زیسته و تنفس مستمر داشته است و این محیط جغرافیایی و طبیعی و اجتماعی نمی‌تواند هیچ تأثیری بر تبلور شخصیت علمی جوادی‌آملی نداشته باشد. از این رو بیان شمه‌ای از اوضاع و ویژگی‌های طبیعی، انسانی، فرهنگی و اجتماعی آن که احتمالاً بی‌تأثیر نباشد لازم است.

آمل شهری در استان مازندران و یکی از قدیمی‌ترین شهرهای ایران، یکی از قدیمی‌ترین مراکز یک‌جانشینی جهان؛ از مهم‌ترین شهرهای مرتبط به علم و در تاریخ معروف به شهر تاریخ و فلسفه است. مردم آمل از قومیت طبری هستند که ریشه در قوم تیوری دارند و به زبان مازندرانی سخن می‌گویند. در تاریخ نوشتاری نیز، مانند شاهنامه و تاریخ طبرستان، آمل از مراکز مهم اتفاقات

ایران و طبرستان بوده‌است. آمل در زمان زیاریان و علویان پایتخت ایران و در زمان اشکانیان یکی از مراکز ایران بود و در زمان افریدون تا زمان بهرام گور نیز آمل تختگاه و پایتخت ربع مسکون است (نصری اشرفی، ۱۳۹۹: ۴۰؛ یزدان‌پناه لموکی، ۱۳۸۷: ۱۵۰).

پیشینه شهر آمل به زمان آماردها بر می‌گردد که قومی در جلگه مازندران بودند و در زمان فرهاد اشکانی به گرمسار تبعید شدند و تپوری‌ها که در کوهستان مازندران ساکن بودند جایگزین آنان در جلگه شدند (ابن‌اسفندیار، ۱۳۹۶: ۹۸). نام یکی از اقوام ساکن کرانه جنوبی دریای مازندران آمارد بوده‌است. برخی ریشه نام آمل را در پیوند با طایفه آمارد دانسته و این موضوع که دو آمل، یکی در آمودریا و دیگری در مازندران وجود داشته را به کوچ شاخه‌ای از این طایفه ایرانی مرتبط دانسته‌اند (بارتلد، ۱۳۰۸: ۲۸۳). واژه آمل که گونه دیگر آن آموی است، احتمالاً از قبیله باستانی آمردها یا آماردها گرفته شده‌است (اعتمادالسلطنه ۱۳۷۳: ۴۳).

شهر آمل در سال ۱۴۰ هجری قمری توسط اعراب مسلمان تسخیر شد. این دوره مصادف با به قدرت رسیدن علویان است و شهر آمل به عنوان مرکز طبرستان مورد توجه قرار گرفت. حسن بن زید ملقب به داعی کبیر در سال ۲۵۰ پس از رسیدن به حکومت طبرستان، پایتخت خود را از ساری که جایگاه طاهریان بود به آمل منتقل کرد تا به حامیان و هوادارانش نزدیک‌تر باشد (پیرنیا، ۱۳۹۱، ج ۲: ۱۳۴۵). حدود قرن دوم هجری مردم مازندران به دین اسلام گرویدند. آمل به عنوان اولین مرکز حکومت مذهب شیعه دوازده امامی و مامن فرزندان امامان شیعه بوده‌است (ذیحی، ۱۳۹۱: ۲۲). لازم به ذکر است که آمل معروف به پایتخت مفاخر ایرانی مانند ابن جریر طبری نیز می‌باشد.

آمل دارای مساجد و بناهای مختلف و قدیمی مانند مسجد آقا عباس، آرامگاه ناصرالحق: مسجد حاج علی کوچک است اما مسجد جامع آمل و مسجد امام حسن عسگری مهم‌ترین آن‌هاست (برزگر، ۱۳۸۰، ج ۳: ۲۱۸). مسجد امام حسن عسگری نیز از بناهای مذهبی و تاریخی آمل است و کهن‌ترین حوزه علمیه ایران است و سازمان میراث فرهنگی تاریخ بنای این مسجد را سال ۱۴۰ هـ ق می‌داند. در برخی منابع نام این مسجد امام حسن آمده و برخی معتقدند که کلمه عسگری بعدها به آن اضافه شده است (نصری اشرفی، ۱۳۹۹: ۶۷). موضوع ورود امام حسن عسگری به مازندران مورد تردید است. احتمالاً این مسجد توسط ناصرالحق اطروش ساخته شده است. ناصر کبیر اسمش حسن بود و از آنجایی که ناصر فرمانروایی مذهبی بود مردم او را امام می‌نامیدند و این مسجد به نام اوست که بعدها کلمه عسگری به آن اضافه شده است (سلطانزاده، ۱۳۶۴: ۱۲۷).

جوادی‌آملی ایام زیستن خود در آمل را تقریباً مفصل شرح داده و نکات خوبی در ارتباط با بحث پژوهش دربر دارد. وی تا چهارم ابتدایی در یک دبستان ملی و غیر دولتی و سال پنجم و ششم را در دبستان دولتی «دبستان فرهنگ آمل» می‌گذراند و از تحرکات حزب توده در آمل هم گزارش می‌دهد. «سال‌های پنجم و ششم ابتدایی ما (حدود سال‌های ۱۳۲۳ و ۱۳۲۴) بجزبوجه درگیری حزب توده و مردم آمل بود. توده‌ای‌ها از قائم‌شهر فعلی (شاهی سابق) و چالوس که دو سه تا کارخانه داشت، از آنجاها می‌آمدند آمل، و در جلوی پل معلق، سنگر می‌گرفتند، و نیز در دبیرستان امام‌خیمینی (قدس سره) کنونی از طرفین کشته می‌شدند و هرچ‌ومرج توده‌ای‌ها در اوج خود قرار داشت» (جوادی‌آملی، ۱۳۸۷: ۲۲).

حوزه علمیه آمل:

حوزه علمیه آمل حوزه‌ای دیرپاست و آغاز آن به زمان «ناصر کبیر» بازمی‌گردد که در آمل مدرسه علمیه‌ای بنا نهاد. روی کار آمدن علویان آغاز رشد فرهنگی و معنوی و علمی و تاسیس مراکز دینی در آمل است (معروف، ۱۳۹۳ق: ۹۰). مدارس عصر حکومت علویان عبارتند از: مدرسه ناصر کبیر و مدرسه داعی صغیر. البته مؤلف «تاریخ مدارس ایران»، «مدرسه رویانی» را نیز به فخرالاسلام عبدالواحد بن اسماعیل قاضی القضاة (۴۱۵-۵۰۳ق) نسبت می‌دهد که به دست باطنیه کشته شد. با قیام مرعشیان و استیلای آنان بر آمل شمار عالمان شیعه در قرن هشتم فزونی گرفت. دوره دوم حوزه علمیه آمل که از زمان صفویان تا عصر ما را شامل است دوره‌ای پررونق است که هر قرن از این دوره رجال علم و فرهیختگان بزرگی را در خود جای داده است (سلطانزاده، ۱۳۶۴: ۱۲۷).

جوادی‌آملی پس از پایان سال ششم ابتدایی از آن جا که والدینش مشتاق ورود او به سلک طلبگی بودند در سال ۱۳۲۵ وارد حوزه شد.

«سال تحصیلی ۱۳۲۴ و ۱۳۲۵ شمسی بود که من در امتحانات نهایی ششم ابتدایی در خردادماه همان سال قبول شدم. آن زمان دروس ابتدایی قوی بود، یعنی ادبیات ششم ابتدایی تقریباً یک ادبیات قابل اعتماد بود. بسیاری از نوشته‌های جناب سعدی و دیگران در ششم ابتدایی موجود و تدریس می‌شد. با این حال بعضی‌ها می‌گفتند: شما دوران دبیرستان را بگذرانید و بعد طلبه شوید. گفتیم: نه، ممکن است به فضای دبیرستان آنس بگیریم و شاید دیگر توانم به حوزه روم و به فضای حوزه مأنوس شوم، بهتر است که ما از هم اکنون وارد حوزه شویم»

وی توسط پدر نزد دو تن از بزرگان روحانی آمل آیت‌الله ابوالقاسم فرسیو^۱ و آیت‌الله غروی^۲ رفته و دروس طلبگی را در آمل آغاز نمود. این دو از برجستگان علمی و اخلاقی و از شاگردان آخوند خراسانی - صاحب کفایه - و فارغ التحصیل حوزه علمیه نجف بودند (جوادی‌آملی، ۱۳۸۷: ۲۳). وی خاطره خود از نخستین دقایق ورود به سلک روحانیت را چنین بازگو می‌کند:

«مرحوم پدرم با یک علاقه خاصی برای اولین بار که می‌خواست ما را در سال تحصیلی ۱۳۲۵ و ۱۳۲۶، به حوزه علمیه آمل وارد کند، - به خاطر این که یک تعابیر خاصی هم مردم شهر مخصوصاً علما درباره قداست نفس مرحوم آیت‌الله آقای ابوالقاسم فرسیو داشتند - اصرار داشت که اولین درس را این بزرگوار برای ما بگوید، ... پدرم به تفرّال هم علاقه مند بودند. وقتی که از خانه بیرون آمدیم، چون منزل ما در محله ای در آمل است که اکثر ساکنان آن محله ساداتند، یعنی همگی از سلسله جلیله سادات نیک اند، یکی از سادات بزرگوار یک ظرف ماستی را تهیه کرده بود، داشت به منزل می‌برد - ماست و شیر را اگر کسی در عالم رؤیا ببیند، به معنای علم و حکمت است - ایشان هم از این تفرّال خوشش آمد و فرمود: «خوب، سید است و ظرف ماستی هم در دست دارد، ان شاءالله علم و حکمت نصیب تو بشود.»

۱. مرحوم آیت‌الله میرزا ابوالقاسم فرسیو، فرزند مرحوم ملا ابراهیم آملی. او تحصیلات مقدماتی و سطوح حوزوی را در تهران و اصفهان فرا گرفت و سپس برای تکمیل مبانی علمی و عملی خویش رهسپار حوزه نجف شد. در نجف اشرف از محضر بزرگانی چون آیات عظام، مرحوم حاج سید ابوالحسن اصفهانی، آخوند ملا محمد کاظم خراسانی و میرزا حسین نائینی استفاده کرده و به کمالات علمی و عملی نائل آمدند. سپس به ایران بازگشت و مدتی در تهران به سر برد و چند ماهی کتابدار رسمی مدرسه شهید مطهری بود. سپس به زادگاهش آمل مراجعت کرد و مرجع خاص و عام شد. مرحوم آیت‌الله فرسیو در حدود سال ۱۳۲۵ هجری شمسی دار فانی را وداع گفت. ایشان برادر سرهنگ احمد اخگر، نظامی، سیاستمدار، شاعر و روزنامه‌نگار ایرانی بود که در دوره قاجاریه و پهلوی اول و دوم می‌زیست.

۲. مرحوم آیت‌الله شیخ محمد غروی فرزند ابوطالب، از علما و مجتهدان به نام شهر آمل بود. ولادت او در روز ۲۲ ذی‌حجه الحرام سال ۱۲۹۶ هجری قمری در کربلا بود. وی تحصیلات ابتدایی و مقدماتی را در زادگاه خود نزد پدرش که از علما بود و نیز نزد برخی از علمای دیگر فرا گرفت و سپس به تهران رفت و در مدرسه سپهسالار سابق اقامت گزید و به ادامه تحصیل حوزوی نزد اساتید آن مدرسه پرداخت. تا این‌که در سال ۱۳۲۳ هجری قمری رهسپار حوزه نجف گردید و دروس خارج فقه و اصول و غیر آن را نزد بزرگان از علما، به ویژه مرحوم آخوند خراسانی فرا گرفت تا خود به مقام اجتهاد و استادی رسید. وی پس از مدتی اقامت در شهرهای نجف و کربلا به زادگاهش آمل برگشت و به تربیت طلاب و تدریس علوم اسلامی پرداخت.

اولین درس فراگرفته جوادی آملی از مرحوم فرسیو درس امثله و شرح امثله با طلیعه اول العلم معرفة الجبار و آخر العلم تفویض الأمر الیه بود که بنابه روایت ایشان تاثیر عمیقی در وی گذاشته و «آن چنان این جمله را معنا کردند که هنوز مدیون سروش غیبی آن بزرگ استاد هستم، و هنوز شیرینی آن را در ذائقه‌ام احساس می‌کنم، او هاتفی بود که صدای دلنواز و دلپذیرش هم چنان برای ما جاذبه دارد و در بناگوشمان هست» (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۲۴).

وی ابتدا وارد حوزه علمیه مدرسه مسجد جامع آمل شده، و چهار سال در آن جا درس می‌خواند و سال آخر حضور در آمل را در مدرسه امام حسن عسکری به سر می‌برد. تا شهریور سال ۱۳۲۹. او مقدمات، سیوطی، حاشیه، جامی، مطول و مقداری از شرح لمعه را نزد پدر و نیز مرحوم اشراقی، مرحوم اعتمادی؛ مرحوم ابوالقاسم رجائی؛ شرح لمعه را نزد شیخ عزیزالله طبرسی و میرزا رضای روحی، قسمت اوامر قوانین را نزد آقاضیاء آملی و قسمت مهم قوانین را پیش مرحوم شیخ محمد غروی و بخشی از فقه و اصول را نزد مرحوم شیخ شعبان نوری فراگرفت. جوادی آملی هوش و ذکاوت شیخ محمد غروی را ستوده و می‌گوید:

«مرحوم آیت‌الله میرزا مهدی غروی از شاگردان بنام مرحوم آخوند خراسانی بود و من شخصی به آن هوش و ذکاوت در حوزه ها کمتر دیدم. با این که سنشان به حدود ۹۲ سال رسیده بود اما هوش علمی شان محفوظ بود، یعنی آن وقتی که قوانین را برای ما تدریس می کردند، حدود بیش از ۴۵ سال بود که از حوزه نجف به آمل آمده بودند، اما هم چنان بر مسائل اصولی و خصوص قوانین الاصول تسلط داشته و بهره های علمی شان از حوزه نجف مشهود بود و از خود بروز می داد. عقل ایشان اگر از علمشان بیشتر نبود، کمتر هم نبود. ایشان بسیار ساکت و کم گو و گزیده گو بود و محضرش آموزنده و بسیار سنگین بود. ولی مرحوم آیت‌الله فرسیو به زهد و تقوا معروف تر بود.»

سراغاز جدی موانست جوادی آملی با تفسیر و قرآن و کلام و علوم عقلی از حوزه آمل و به‌ویژه در در محضر مرحوم آقاضیاء آملی است. تشکیل جلسات خصوصی و تدریس حدیث و تفسیر و حفظ قرآن، از ابتکارات آیت‌الله حاج آقاضیاء آملی^۱ (۱۳۶۱-۱۲۸۳ش) بود. او که خود

۱. آیت‌الله حاج آقا ضیاءالدین آملی (۱۲۸۳-۱۳۶۱ ه.ش)، فرزند آیت‌الله حاج محمدتقی آملی از علمای وارسته و مجتهدان معاصر است. وی در تهران دیده به جهان گشود. وی در نجف از محضر حضرات آیات سید ابوالحسن اصفهانی، میرزا حسین نائینی، حاج آقا ضیاءالدین عراقی، میرزا ابوالحسن مشکینی و شیخ محمدکاظم

حافظ قرآن بود اولین کسی بود که این سنت‌های حسنه را در حوزه‌علمیه آمل پایه‌ریزی کرد و در روزهای تعطیل آن‌ها را تدریس می‌کرد و به‌ویژه حفظ سوره هود و آموختن درس تفسیر قرآن را به طور جدی پی می‌گرفت زیرا معتقد بود که علوم رایج حوزوی، تا زمانی که با قرآن و حدیث، رابطه تنگاتنگ نداشته باشد، انسان از آن طرفی نمی‌بندد. بر این اساس، هنگامی که جوادی‌آملی برای ادامه تحصیل به تهران هجرت کرد شوق تفسیر و فراگیری حدیث در او به طور فزاینده‌ای مشهود بود (جوادی‌آملی، ۱۳۸۷: ۳۸). جوادی‌آملی سال پنجم حضور در آمل را به توصیه آقاضیاء آملی در مدرسه مسجد امام حسن عسکری سکونت می‌یابد که از آن به جهت معنویت سرشارش بسیار تمجید کرده و می‌ستاید (جوادی‌آملی، ۱۳۸۷: ۳۹).

علاقه خاص به علوم عقلی نیز در همین دوران در پی نشست مشترک اساتید و رجال علمی حوزه آمل و تصویب تدریس علوم عقلی در کنار علوم نقلی در وی پدید آمد و از همان آغاز اشتیاق به تحصیل در این رشته را در خود می‌یابد و متوجه می‌شود که در کنار علاقه به فقه و اصول، به علوم عقلی نیز علاقه داشته و این علوم برای او جاذبه بیشتری دارد. لذا به همراه دروس فقه، اصول و تفسیر، دروس حکمت، کلام و منطق را نیز با علاقه و اشتیاق می‌خواند (جوادی‌آملی، ۱۳۸۷: ۴۱).

تهران و حوزه علمیه تهران:

تهران، دومین شهر تاثیرگذار جدی در روند تکوین شخصیت علمی و تحصیلی جوادی‌آملی است. این شهر پایتخت فعلی ایران و مرکز ثقل تحولات اجتماعی و فرهنگی و سیاسی ایران در حداقل صد و پنجاه سال گذشته است.

پیشینه زندگی در تهران به دوران نوسنگی برمی‌گردد و کاوش‌های باستان‌شناسی صورت گرفته در تهران، منجر به کشف اسکلت‌های ۷۰۰۰ ساله انسان و ابزارهای سنگی شده‌است (مؤسسه جغرافیایی گیتاشناسی، ۱۳۸۷: ۴۵). در اوایل سده هفتم، با ویرانی شهرری و مهاجرت مردم آن به تهران، دانش تجارت، ساخت‌وساز و شهروندی مردم ری به تهران انتقال یافت و باعث پیشرفت آن شد. در دوران صفوی بسیار بر اهمیت تهران افزوده شد اما سرچشمه

شیرازی بهره برده و به درجه اجتهاد رسید. حاج آقا ضیاءالدین آملی در آمل و مصر به نشر معارف اسلامی می‌پرداخت. و حافظ قرآن بود و هیچ آیه و حدیثی نبود که از او پرسیده شود مگر آنکه خود به قرائت ابتدا و انتهای آن می‌پرداخت

شکوفایی و پیشرفت این شهر، به پایتختی آن برمی‌گردد. آقامحمدخان قاجار، در نوروز سال ۱۱۶۵، پس از سال‌ها جنگ با خاندان زند و مدعیان پادشاهی، تهران را پایتخت خواند.

منشأ نام تهران به صورت قطعی مشخص نیست و درباره ریشه‌شناسی آن، چند دیدگاه وجود دارد: اول آن که ران پسوندی به معنای «دامنه» است و شمیران و تهران به بالادست و پایین‌دست بودن اشاره دارد. دوم آن که تهران تغییر شکل یافته تهرام به معنای «منطقه گرمسیر» است و در مقابل آن شمیرام یا شمیران به معنای «منطقه سردسیر» قرار دارد. سوم آن که سراسر دشت پهناوری که امروزه «تهران بزرگ» خوانده می‌شود، در میان کوه‌های اطراف خود، گود به نظر می‌رسید و بدین سبب ته ران نام گرفت. دیگر آن که به دلیل اینکه مردم تهران هنگام حمله دشمن زیر زمین پنهان می‌شدند، آن را ته ران به معنای «زیرزمین» نامیدند (کریمان، ۱۳۵۵: ۴۳. بختیاری، ۱۳۸۵).

ج ۱، ۱۲: تکمیل همایون، ۱۳۸۲. ج ۱، ۱۹-۲۰، مشکور، ۱۳۷۱. ج ۱، ۳۳۰، ابن جوزی، ۱۴۱۵/ق ۱۹۹۵م. ج ۱، ۱۷۰؛ ابن حوقل، ۱۹۳۸م. ج ۲، ۳۷۹، اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷. ج ۱، ۸۴۴، موسوی اصفهانی، ۱۳۶۳. ج ۱، ۲۵-۳۰. نخستین اشاره به نام تهران در نوشته‌های تاریخی، در حدود سال ۴۵۰ توسط خطیب بغدادی و در پی ثبت مرگ حافظ تهرانی در تاریخ بغداد انجام شده است (جواهرکلام، ۱۳۵۷. ج ۱، ۷۷، کریمان، ۱۳۵۴. ج ۱، ۱۳۰-۱۴۳ جودت، ۱۳۵۶).

ج ۱، ۶۴: شهری، ۱۳۷۱. ج ۱، ۳۲۵-۳۳۲ تکمیل همایون، ۱۳۷۸. ج ۱، ۳۵ محمودیان، ۱۳۸۴: ۱۲. بلاغی، ۱۳۵۰، ج ۱، ۴۰-۴۲، انوشه، ۱۳۸۰. دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۷).

حوزه علمیه تهران:

می‌توان گفت حوزه تهرانالته با محاسبه ری (کریمان، ۱۳۵۵)، تاریخی برابر با تاریخ تشیع دارد، زیرا ری از عهد ائمه (ع) مرکز فقاها و معرفت بوده است، البته حوزه شهر تهران، متاخرتر است. پس از آن که آقا محمدخان قاجار در سال ۱۲۰۰ تهران را به پایتختی ایران برگزید و پس از توسعه شهر از زمان فتحعلی‌شاه (۱۲۱۲-۱۲۵۰) به این سو، مدارس و نیز مسجدمدرسه‌های فراوانی در این شهر بنا شد (دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۲۱، ۱۳۹۰).

در پی‌گیری سیاست توسعه تهران، در دوره محمدشاه و به‌ویژه با صدارت حاجی میرزا آقاسی، فضایی حوزه‌های دیگر، برای رونق تهران به مهاجرت به این شهر تشویق شدند. بدین ترتیب با روی آوردن علما و طلاب علوم دینی به تهران که در مجاورت شهر مذهبی ری، آرام‌گاه حضرت عبدالعظیم حسنی قرار دارد، حوزه علمی بزرگی در پایتخت جدید ایران پی افکنده شد که

به سرعت پیشرفت کرد. بنا بر یک گزارش آماری، در دوره ناصرالدین شاه قاجار (۱۲۶۴-۱۳۱۳)، ۴۷ باب مسجد، که بسیاری از آن‌ها مدرسه نیز داشته‌اند، ۳۵ باب مدرسه و ۴۶۳، ۱ طلبه به ثبت رسیده است. جمعیت طالبان علوم دینی در دوره‌های بعد نیز روی به افزایش داشت، چنان‌که مثلاً در دوره مظفرالدین شاه (۱۳۱۳-۱۳۲۴) انجمن طلاب مشروطه‌خواه، که از تشکل‌های حوزوی بود، بیش از هزار عضو داشت (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۳: ۲۳۰).

در میان مدرسه‌های پیش از عصر قاجاری دو مدرسه مشهورند: یکی مدرسه حکیم هاشم و دیگری مدرسه رضائیه (هر دو متعلق به قرن دوازدهم). مدرسه رضائیه، به ملاآقارضا فیروزآبادی (متوفی ۱۱۱۷) منسوب است (کریمان، ص ۳۰۶). زمانی در این شهر همزمان، چندین فقیه صاحب رساله عملیه و دارای مقلدین فراوان و کرسی درس خارج پرجمعیت حضور داشتند. در مقطعی، و پیش از آنکه قم در بین حوزه‌های علمیه شیعه، کانون حکمت شود، تهران کانون حکمت و معرفت بود و حکمای بزرگی در آن به تدریس فلسفه و عرفان اشتغال داشته‌اند. از مدرسه‌های فعال دهه‌های اخیر تاکنون، علاوه بر مدرسه سپهسالار و مدرسه مروی، باید از مدرسه قائم‌چیندر و مدرسه مجتهدی یاد کرد (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۳ ج ۱: ۲۳۹؛ صدوقی سها، ۱۳۵۹: ۲۷؛ سمیعی زاده، ۱۳۹۷: ۴۵؛ حبیب‌آبادی، ۱۳۶۴ ج ۶: ۶۷؛ تبریزی‌خیابانی، ۱۳۶۶: ۷۹).

جوادی‌آملی پس از پنج‌سال تحصیل در آمل همراه پدر به مشهد رفته و با نپسندیدن حوزه آن‌جا (جوادی‌آملی، ۱۳۸۷: ۵۳) به تهران آمده و نزد شیخ محمد تقی آملی که با پدر وی آشنایی داشت رفته و تحت هدایت ایشان قرار گرفت و به متصدی مدرسه مروی، محمدباقر آشتیانی معرفی می‌شود (جوادی‌آملی، ۱۳۸۷: ۵۴). جوادی‌آملی مدرسه مروی را بهترین مدرسه علمیه آن روز تهران معرفی نموده و برکات آن را مانند برکات مدرسه مسجد امام حسن عسکری (علیه‌السلام) در آمل اما نه مثل آن می‌داند (جوادی‌آملی، ۱۳۸۷: ۵۴). وی وضعیت حوزه تهران و مدرسه مروی و تأثیرات آن بر شخصیت خود را چنین بیان می‌دارد:

«آن روز، مدرسه مروی بهترین مدرسه تهران بود و در آن، سطح عالی و خارج، و معقول نیز تدریس می‌شد. این مدرسه، مدرسه‌ای بسیار وزین و پربرکت بود و برای اسکان شرایطی داشت که باید طلاب مقداری از شبانه روز را قرآن تلاوت کنند یعنی موظف بودند که در کنار فراگیری علوم اسلامی قرآن را هم تلاوت کنند. برکات مدرسه مروی تهران مانند مدرسه امام حسن عسکری (علیه‌السلام) آمل مشهود بود اما نه به اندازه آن زیرا مدرسه امام حسن عسکری (علیه

السلام) ویژگی فراموش نشدنی داشت. نیز در مدرسه مروی سالی دویار برای بازدید کتاب‌ها جلسات رسمی بود. انس با کتاب و کتابخانه هم نصیب طلاب علوم دینی می‌شد. این هم خود توفیقی بود که انسان با کتاب‌های خطی و چاپی، کم و بیش آشنا شود (<http://nbo.ir/%D8%>).

جوادی آملی تلاوت و آموزش قرآن، امتحان ورودی برای پذیرش طلاب، امانت کتاب‌های لازم از کتابخانه مدرسه به طلاب، تدریس فلسفه و منظومه، وجود یک مدرّس رسمی و یک مدرّس علی‌البدل، اقامه نماز جماعت توسط مرحوم سبط‌الشیخ، و عدم ارتباط با نظام پهلوی را از ویژگی‌های مدرسه مروی می‌خواند (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۵۴-۵۷). سید عباس فشارکی از شاگردان آقا ضیاء عراقی و آقا شیخ اسماعیل و آقا شیخ محمد رضا محقق مدرسان رسمی مدرسه مروی در آن زمان بوده‌اند (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۵۶).

ایشان در تهران سطوح عالی را خدمت حاج سید عباس فشارکی و مرحوم جاپلقلی؛ شرح تجرید و منطق منظومه و غیر آن را در محضر آقا شیخ علی محمد جولستانی؛ بخشی از شرح منظومه و طبیعیات اشارات و نیز مقداری از امور عامه اسفار و همچنین شرح چغمینی و مقداری از مقدمه بهادری را خدمت حاج شیخ ابوالحسن شعرانی؛ مقداری از شرح منظومه و نیز الهیات و بخش عرفان شرح اشارات را خدمت حاج میرزا مهدی محی‌الدین قمشه‌ای؛ شرح فصوص محی‌الدین (شرح قیصری بر فصوص محی‌الدین عربی) را نیز نزد میرزا حسین فاضل‌تونی فرا می‌گیرد (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۶۰).

قم و حوزه علمیه قم

قم به‌عنوان پایتخت مذهبی ایران، پایتخت فرهنگی جهان شیعه، و بزرگ‌ترین قطب انتشار کتاب‌های دینی در خاورمیانه شناخته می‌شود. قم در ابتدا محل سکونت اقوامی از زرتشتیان بوده که ممجان نامیده می‌شده‌است. قُم تلفظی از نام کُم است که اعراب آن را به صورت امروزی درآوردند. در کتاب تاریخ قم، تألیف «حسن بن محمد بن حسن قمی» در بیان علت نام‌گذاری شهر چنین آمده‌است: «شهر قم را، بدین علت قم نامیدند که محل جمع شدن آب‌ها و آب انبار بوده‌است و آب در آن جا جمع می‌شده و آن را هیچ منفذ و رهگذری نبوده، در اطراف آن جا علف و گیاهان و نباتات فراوان می‌رویده‌است و در عرب، جمع شدن آب را قم گویند» (قمی، ۱۳۶۱: ۵۶). از نظر

برخی هم ریشه نام این شهر به «کومه» به معنای اتاقک‌های کلبه‌مانندی که چوپانان برای استراحت می‌ساختند، بازمی‌گردد که با الهام از واژه «کومه» این شهر به نام «کُم» خوانده شد.

پس از حمله اعراب، در زمان خلیفه عمر بن خطاب، ابوموسی اشعری در سال ۶۲۴ میلادی سپاهی را راهی فتح قم کرد و پس از آن قم مقصد مهاجران عرب از عراق و سپس علویان و شیعیان شد. پیشینه ورود تشیع به این شهر به قرن اول قمری و هجرت خاندان اشعریون از کوفه و سکونت آنان در قم برمی‌گردد. پس از شکست قیام مختار و کشته شدن سائب بن مالک اشعری، اشعریون از کوفه به نقاط مختلف ایران آمدند. احوص و عبدالله پسران سعد بن مالک اشعری وارد قم شدند. مردم قم، قبل از هجرت اشعریون به این شهر زردشتی بوده‌اند. با آن که قم در سال‌های اولیه فتوحات به دست مسلمانان افتاد ولی مردم آن بر دین خود ماندند. یاقوت حموی، مروج تشیع در قم را عبدالله بن سعد و مذهب او را امامی دانسته است. برخی نیز شرکت سائب بن مالک اشعری در قیام مختار و مخالفت فرزندش محمد بن سائب با حجاج بن یوسف ثقفی را از نشانه‌های گرایش آنان به اهل بیت دانسته‌اند (ارباب قمی، ۱۳۵۳: ۱۲۰، منعل قمی، ۱۳۵۳: ۴۵. مهاجر، ۱۴۲۹: ۶۹. مدرسی طباطبائی، ۱۳۵۰: ۷۰. طبسی، ۱۳۸۴: ۱۳۴). یاقوت حموی خبر داده است که همه اهل قم شیعه امامی بودند و در میان آنها کسی یافت نمی‌شد که نامش ابوبکر و عمر باشد و مقدسی گفته که کنبه بیشترشان ابوجعفر بوده است. برخی از جغرافی دانان مانند مقدسی، سمعانی، اصطخری و دیگران نیز اهل قم را شیعه معرفی کرده‌اند. (قمی، ۱۳۶۱، فقیهی، ۱۳۵۰، منعل قمی، ۱۳۵۳)

گفته شده نخستین کسی که تشیع خود را در قم علنی ساخت، موسی بن عبدالله اشعری بود. ظاهر برخی روایات این است که امامان (علیهم‌السلام) به شهر قم، عنایت ویژه‌ای داشته و مفهومی را برتر و وسیع‌تر از یک شهر و توابع آن، به این شهر بخشیده‌اند. و شهر قم را حرم اهل بیت خوانده‌اند (ارباب قمی، ۱۳۵۳: ۱۲۰، منعل قمی، ۱۳۵۳: ۴۵. مهاجر، ۱۴۲۹: ۶۹. مدرسی طباطبائی، ۱۳۵۰: ۷۰. طبسی، ۱۳۸۴: ۱۳۴).

حوزه علمیه قم

حوزه علمیه قم بزرگ‌ترین حوزه علمیه شیعیان است که در شهر قم قرار دارد. مکتب و حوزه حدیثی قم (در کنار کوفه و بغداد) یکی از سه حوزه حدیثی کهن در تاریخ علمی جهان تشیع بود و در قرن اخیر توسط عبدالکریم حائری یزدی در سال ۱۳۰۱ خورشیدی تجدید حیات شد به گونه‌ای که وی را مؤسس حوزه علمیه قم نامیده‌اند. تاریخچه این حوزه به دوران تاسیس قم شیعی

برمی‌گردد؛ زمانی که خاندان اشعریون به عنوان خاندانی شیعی، از کوفه به قم مهاجرت کردند حضور فرزندان امامان شیعه و وکیلان خاص آنان، در تاسیس و پررونق شدن حوزه علمیه قم، مؤثر بود. احتمال داده شده است که این حوزه در قرن دوم تاسیس شده باشد.

در سده‌های پنجم و ششم، قم مرکزی بزرگ برای فقهای شیعه بوده و عدّه‌ای برای تحصیل به این شهر می‌آمدند و مدارس دایری داشت. شیخ عبدالجلیل رازی وضع علمی قم را در قرن ششم شرح داده است. بعدها صفویان از عالمان شیعه حمایت‌های بسیاری علی‌الخصوص در قزوین و اصفهان داشته‌اند و احتمالاً قم نیز این حمایت‌ها بی‌نصیب نبوده است. در سرتاسر حکومت صفویان، علمای شیعه غالباً در شهر قم مدتی را اقامت کرده و به تدریس مشغول بوده‌اند. مشهورترین آن‌ها بهاء‌الدین عاملی، صدرالدین شیرازی، فیض کاشانی، عبدالرزاق لاهیجی، محمدطاهر قمی، سعید قمی، میرزا حسن لاهیجی و فخرالدین ماوراءالنهری هستند.

با روی کار آمدن سلجوقیان در قرن پنجم هجری به عنوان حکومتی سنی مذهب، از رونق حوزه علمیه قم نسبت به پیش از آن، کاسته شد. اما منتجب‌الدین رازی و عبدالجلیل قزوینی، گزارش می‌کنند که شکوه حوزه علمیه قم، پس از قرن پنجم و در قرن ششم، به شکوه و جایگاه سابق خود بازگشت (طارمی راد، ۱۳۸۳). پس از آن دوباره از فروغش کاسته می‌شود تا آن که حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی در ۱۳۰۰ از اراک به قم آمده و حوزه درسی رشد می‌یابد. اما پس از فوت وی به فتور می‌گراید تا آن که سید حسین بروجردی در سال ۱۳۲۳ به قم آمده و دوره جدیدی آغاز می‌شود.

جوادی آملی در در شهریور ۱۳۳۴ که بیش از ده سال از دوران جدید و زعامت آیت‌الله بروجردی می‌گذشت با اجازه استادش محمدتقی آملی به شهر و حوزه قم که رونق بسیار گرفته و مرکزیت یافته بود پا می‌گذارد و به تکمیل معارف دینی در عرصه‌های مختلف همت می‌کند. او این انتقال به قم را منت خداوند بر خود می‌شمارد (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ۶: ۴۱۷). وی ابتدا در فقه به درس بروجردی می‌رود اما درس او در آن ایام چندان مقبول طبع جوادی جوان قرار نمی‌گیرد. جوادی آملی داستان هجرتش از تهران به قم را چنین بازگو می‌کند:

«با کسب اجازه از محضر آن بزرگوار (آیت‌الله شیخ محمد تقی آملی) عازم قم شدم و به ایشان عرض کردم: عازم حوزه علمیه قم هستم. فرمودند: هجرت خوب و مبارکی است زیرا در کنار قبر فاطمه معصومه (علیها السلام) و دیگر علمای ربّانی فیوضات الهی فراوان است. کنار قبور

بزرگان بحث کردن، درس گفتن و درس خواندن با برکات غیبی همراه است. آنگاه این جمله را اضافه کردند: شاگردان ارسطو بر آن بودند که در بحث‌ها هر وقت مشکل علمی برای آن‌ها پیش می‌آمد، بحث را در کنار مزار ارسطو برگزار می‌کردند، و عقیده داشتند که در کنار قبر ارسطو بحث کردن، باعث برکات غیبی خواهد بود و خدای متعال امداد می‌کند و این چنین هم مشاهده می‌کردند. این مسئله را مرحوم میرداماد نیز در «قبسات» نقل نموده است. ... در شهریور ۱۳۳۴ هجری شمسی به حوزه علمیه قم وارد شدم. سپس در درس فقه مرحوم آقای بروجردی (رضوان الله تعالی علیه) که معروف بود، شرکت کردم. اما آن درس، درس رسمی فقه ما نبود، چون آن روزها اوج ریاست و مرجعیت مرحوم آقای بروجردی بود و درسشان در عین حال که عمیق و قوی بود لیکن به گونه‌ای نبود که بتواند محصل جوان را قانع کند.» (جوادی‌آملی، ۱۳۶۴:).

قم به جهت آن که در آن ایام کانون تحولات و هسته پویایی‌های علم دینی بوده است استعدادهای جوادی جوان را به سرعت شکوفا ساخته و متبلور می‌سازد. به‌ویژه راهیابی به حلقه درس‌های عمومی و خصوصی علامه طباطبایی در حکمت و تفسیر قرآن تاثیر ژرفی بر او و تراوشات کلامی سیاسی وی دارد. جوادی‌آملی در قم بیشترین بهره علمی در تفسیر و کلام و فلسفه را از سید محمدحسین طباطبایی برده است. چنان درس خصوصی طباطبایی برای جوادی پرجاذبه بوده است که وی به صراحت بیان می‌دارد که پس از ورود به جلسات و درس‌های خصوصی علامه، کم‌کم فهمیدم که تازه ابتدای درس خواندن است. (جوادی‌آملی، ۱۳۸۷: ۱۲۷) بیشترین انس علمی جوادی‌آملی با علامه طباطبایی بوده و وی در طول بیش از بیست و پنج سال از بدو ورود به حوزه علمیه قم تا آخرین لحظات زندگی طباطبایی همه‌جا در جلسات عمومی، که تدریس سطح اسفار، شفا، منطق، عرفان بوده و نیز در جلسات خصوصی او که درس خارج الهیات و فلسفه و تفسیر بوده، شرکت داشته است (جوادی‌آملی، ۱۳۸۷: ۱۳۴).

او در درس‌های فقه و اصول امام خمینی هم شرکت می‌کند اما درس اصول را قوی‌تر می‌بیند و حضورش در فقه امام دوامی نمی‌یابد. جوادی بحث اصول امام، را مجمع فضلا می‌خواند و از روش متقن و تحلیل فولادین استادش تمجید می‌کند (جوادی‌آملی، ۱۳۷۸: ۴۳). موانست با امام او را به عرصه‌های انضمامی و اجتماعی و سیاسی می‌کشاند. جوادی‌آملی در بدو ورود به قم پس از بررسی‌های مختلف درس فقه سیدمحمد محمد محقق داماد را قوی و مناسب می‌یابد و اکثر ابواب خارج فقه را از خارج زکات به بعد نزد او می‌خواند. وی انتخاب درس محقق داماد را به دلیل

جامعیت تدریس، درک عمیق از نصوص و روایات، دیدن مکتب درسی، درک محضر درسی اساتید، داشتن مناظره علمی و شاگردپروری توامان می‌خوانند (جوادی‌آملی، ۱۳۸۷: ۱۳۷). همچنین نزدیک پنج‌سال در درس خارج فقه میرزاهاشم آملی شرکت می‌کند. سال‌هایی که او آن را پربرکت به جهت پرمحتوایی و عمق می‌خواند (جوادی‌آملی، ۱۳۸۷: ۱۵۳). وی علت پرمحتوایی را علاوه بر شاگردپروری و گرمی ارتباط تا سرحد هم‌بحثی، تازگی مطالب و انتقال عصاره سخنان آقا ضیاء عراقی و نایینی و تلاش برای معرفی حوزه نجف می‌داند که برای طلبه‌های قم شنیدنی و قابل استفاده بوده است (جوادی‌آملی، ۱۳۸۷: ۱۵۳).

نتیجه گیری

تأثیر زمینه‌های عینی بر اندیشه متفکر، یکی از اجزای روش هرمنوتیک اسکینر است که در نگرش وی نقشی قابل توجه در تکوین اندیشه‌ها دارد. محیط نیز یکی از عناصر زمینه‌های عینی است که شامل محیط خانواده تا محیط زندگی و تحصیل و اعم از محیط طبیعی و فرهنگی و اجتماعی می‌شود. البته بحث تأثیر محیط و فضا مبحثی کهن در میان اندیشوران مختلف از افلاطون تا منتسکیو و از ابن سینا تا کنون است و دیدگاه‌های گوناگونی ابراز شده است.

در این راستا آیت‌الله جوادی‌آملی اندیشمندی است که آرا و آثار علمی تأثیرگذاری در حوزه‌های مختلف بخصوص در کلام سیاسی داشته و از این رو شخصیت علمی وی از حیث تأثیر محیط، سوژه این پژوهش قرار گرفته است. در وهله نخست محیط خانواده اثرگذاری زایدالوصفی در شکل‌گیری شخصیت علمی او ایفا می‌کند. مذهبی بودن، روحانی بودن و دلبسته علم کلام بودن خانواده وی، به گونه‌ای که پدر، پدربزرگ، و بسیاری از اقوام وی مانند دایی مادر، در سلک روحانیت‌اند. نذر پدر و مادر برای طلبه شدن وی، به خوبی این تأثیرگذاری را نشان می‌دهد. از سوی دیگر در محیط جغرافیایی آمل نخستین شهری است که قوام‌بخش شخصیت علمی او به عنوان زادگاه و وطن است. آملی که در تاریخ به فرهیخته‌پروری و عالم‌خیزی زبانزد است و کانون تحولات اجتماعی شمال ایران بوده است. آمل اگرچه به لحاظ فرهنگی متنوع است اما مهد پرورش نخبگان بوده است. بدین جهت محیط فرهنگی آمل و سابقه تاریخی آن در تکوین شخصیت جوادی‌آملی موثر است. به ویژه حوزه علمیه آمل که جوانه‌هایی عمیق و محکم را در وجود جوادی جوان به ثمر می‌نشانند و تأثیری فراموش‌ناشدنی در جان جوادی می‌نهد. آن گونه

که جوادی حلاوت تحصیل در حوزه امام‌عسکری‌آمل را با هیچ کجا قابل مقایسه نمی‌یابد. از حیث تعلم درس و سلوک آموزگاران آملی به ویژه آقاضیاء آملی در تفسیر و کلام اثری دیرپا بر آینده علمی او دارد. آقاضیاء آملی نقشی ویژه در رشد شخصیت علمی جوادی دارد.

دومین محیط زندگی و تحصیل جوادی‌آملی تهران است که محیط متنوع و متضادی در آن دوران دارد و دوره نسبتاً طولانی تحصیلی را در بر می‌گیرد. در تهران جوادی تحت تعلیم زبده‌ترین و خاص‌ترین اساتید کلام و حکمت و تفسیر قرار می‌گیرد. محمدتقی آملی، شعرانی، الهی‌قمشه‌ای و فاضل‌تونی سرآمد آنان‌اند. در تهران و مدرسه مروی جوادی شاخه‌های مختلف دین‌شناسی را مرور می‌کند و آینده‌اش را روشن می‌سازد. او در تهران حکمت و کلام و تفسیر را به‌طور ویژه‌ای دنبال می‌کند و مسیر خود را بر می‌گزیند. مدرسه مروی نقشی بنیادین در گرایش او به تفسیر قرآن دارد زیرا در آن مدرسه طلاب موظفند روزانه به قرآن پردازند.

قم آخرین شهر موثر بر جوادی‌آملی است که البته تاثیری تمام‌کننده و فیصله‌بخش دارد. اگر جوادی در آمل جوانه می‌زند و در تهران ساقه علمیش قوام می‌یابد؛ در قم وسعت و تکامل و شاخ و برگ می‌گیرد و جانی تازه می‌یابد. موانست و شاگردی علامه طباطبایی در جلسات تدریس خصوصی در تفسیر و فلسفه، و رویه پژوهشی و انتقادی علامه، عمقی علمی در او ایجاد و به‌طور خاص استعداد او را در تفسیر و کلام و فلسفه بارور و شکوفا می‌سازد. بدان گونه که خود از آن به آغاز درس خواندن تعبیر می‌کند. آشنایی با شخصیت امام‌خمينی جامعیت اجتماعی و قدرت انضمامی را در او برمی‌انگیزد و حلقه‌فقهی محقق‌داماد تعمق فقهی را بدو می‌آموزاند.

بر این اساس محیط خانواده‌کشش روحی برای علم‌آموزی دینی، محیط آمل جرقه‌های گرایش به تفسیر و کلام و حکمت در کنار دروس متداول حوزوی، محیط تهران کانالیزه کردن او و سوق دادنش به سوی این سه دانش و محیط قم اعتلا و تکامل و ریشه دار کردن او در زمین تفسیر و کلام و حکمت را رقم زده است. امری که برای او جامعیت نسبی در دین‌شناسی را به ارمغان آورده است.

منابع

- ابن جوزی، علی بن محمد (۱۴۱۲ق). المتظم فی تاریخ الأمم و الملوك، تحقیق محمد عبدالقادر عطا و مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- ابن حوقل، محمد (۱۹۳۸م). صورة الارض، به کوشش کرامرس، لیدن، بیروت، دار صادر.
- ابن اسفندیار، محمد بن حسن (۱۳۹۶). عباس اقبال آشتیانی، تهران: اساطیر چاپ: ۲
- ارباب قمی، محمد تقی (۱۳۵۳). تاریخ دارالایمان قم، چاپ حسین مدرسی طباطبایی، قم.
- اسپریکنز، توماس (۱۳۷۷). فهم نظریه های سیاسی، ترجمه فرهنگ رجایی، تهران: آگاه.
- اسکیز، کوئتین (۱۳۷۱). ماکیاولی، ترجمه عزت الله فولادوند، تهران طرح نو.
- اسکینز، کوئتین (۱۳۹۳). بینش های علم سیاست، ترجمه مجیدی، اول، تهران.
- اعتماد السلطنه، محمد حسن بن علی (۱۳۶۳). المآثر و الآثار در چهل سال تاریخ ایران، چاپ ایرج افشار، ج ۱، تهران: اساطیر.
- اعتماد السلطنه، محمد حسن خان (۱۳۷۳). تاریخ طبرستان، مقدمه، تحشیه و تعلیقات: میترا مهرآبادی، تهران: انتشارات دنیای کتاب.
- انوشه، حسن (۱۳۸۰). «تهران»، دائرة المعارف تشیع، زیر نظر احمد صدر حاج سیدجوادی و دیگران، چاپ دوم، تهران، نشر شهید سعید محبی.
- بختیاری، سعید (۱۳۸۸)، اطلس کامل تهران، ج ۲، تهران: موسسه جغرافیایی و کارتوگرافی.
- برزگر، اردشیر (۱۳۸۰). تاریخ تبرستان جلد سوم. تهران: انتشارات رسانش.
- بلاغی، عبدالحجبت (۱۳۵۰ق). تاریخ طهران قدیم، ج ۱، ص ۴۰-۴۲، قم، مولف.
- پیرنیا، حسن (۱۳۹۱). تاریخ ایران باستان، جلد دوم. انتشارات نگاه.
- تبریزی خیابانی، علی (۱۳۶۶). کتاب علماء معاصرین، چاپ سنگی، تهران: مولف.
- تکمیل همایون، ناصر (۱۳۷۸). تاریخ اجتماعی و فرهنگی تهران: از آغاز تا دارالخلافه ناصری، ج ۳. تهران: دفتر پژوهشهای فرهنگی.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۶). سرچشمه اندیشه، تحقیق و تنظیم کتاب عباس رحیمیان، قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۷). مهر استاد، سیره علمی و عملی استاد جوادی آملی (دام ظلّه)، چاپ چهارم، قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله، پیام آیت الله جوادی آملی به همایش بین المللی "اندیشه های علامه طباطبایی در تفسیر المیزان"، در <https://hawzah.net/fa/News/View/98358>

- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۸). بیان مرصوص امام خمینی (ره)، چاپ دوم، قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۶۴). مصاحبه با کیهان فرهنگی، کیهان فرهنگی، ش ۹، آذر.
- جودت، حسین (۱۳۵۶). تهران در گذشته نزدیک از زمان، تهران: بی‌نا.
- حبیب آبادی، محمدعلی (۱۳۶۴). مکارم الآثار، اصفهان: کمال، ج ۶.
- حجتی، حسین، مبانی کلامی حکومت دینی از دیدگاه آیت‌الله جوادی، پایان نامه دانشگاه جامعه المصطفی العالمیه، دانشکده الهیات و معارف اسلامی.
- خانلری، جوادی؛ نامداری، ابراهیم؛ طلایی تبار، منیره سادات (۱۳۹۶). بررسی فرآیند تأثیر محیط بر شخصیت متنی و سعدی، مطالعات ادبیات تطبیقی، ۱۱ (۴۳)، ۱۵۷-۱۸۱.
- دائرة المعارف بزرگ اسلامی، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، تهران: مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، تهران، ج ۱۶ (مدخل تهران)، چاپ اول، ۱۳۸۷ش و ج ۲۱ (مدخل حوزه علمیه)، چاپ اول، ۱۳۹۰ش.
- ذبیحی، علی (۱۳۹۱). آمل. تهران: رسانش نوین.
- سلطانزاده، حسین (۱۳۶۴). تاریخ مدارس ایران از عهد باستان تا تاسیس دارالفنون، تهران: آگاه.
- شریعتی، فهیمه (۱۴۰۰). تبیین فلسفی روایات مربوط به تأثیر محیط طبیعی بر دریافت های ادراکی انسان (براساس نفس شناسی ابن سینا)، معارف عقلی، ۲۲ (۴۳)، ۹۹-۱۱۸.
- شولتز، دوان (۱۳۸۴). نظریه‌های شخصیت، ترجمه یوسف کریمی، تهران، ارسباران، چاپ پنجم.
- شهری، جعفر (۱۳۹۸). طهران قدیم، ج ۷. تهران: معین.
- صدوقی سها، منوچهر (۱۳۵۹). تاریخ حکماء و عرفاء متأخر بر صدرالمآلهین، تهران: انجمن اسلامی حکمت و فلسفه ایران.
- طارمی راد، حسن (۱۳۸۳). «حوزه علمیه». دانشنامه جهان اسلام. تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.
- طیسی، محمدجواد (۱۳۸۴). قم عاصمه الحضارة الشیعیة، قم: زائر.
- عسکریور، زهرا؛ نجفی، محمد؛ نوروزی، رضا علی (۱۳۹۹). مفهوم شناسی محیط در قرآن کریم و نقش تربیتی آن، پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، ۲۸ (۴۷)، ۳۳-۶۲.
- علایی رحمانی، فاطمه، زینب سالاری (۱۳۹۳). تأثیر خانواده، محیط و اراده در شکل‌گیری شخصیت انسان از منظر امام علی (ع)، پژوهشنامه نهج البلاغه، ۲ (۵)، ۸۳-۱۰۴.

- عمادی، اسدالله (۱۳۷۲). بازخوانی تاریخ مازندران. نشر فرهنگ خانه مازندران.
- فقیهی، علی اصغر (۱۳۵۰). تاریخ مذهبی قم، قم، اسماعیلیان.
- قمی، حسن بن محمد (۱۳۶۱). تاریخ قم، ترجمه حسن بن علی قمی، به کوشش سید جلال‌الدین تهرانی، تهران: توس.
- کریمان، حسین (۱۳۵۵). تهران در گذشته و حال، تهران: انتشارات دانشگاه ملی ایران.
- کریمان، حسین (۱۳۷۱). ری باستان، چ ۲. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- گلرخ، شمین (۱۳۹۱). مکان و هویت شخصی: نقش محیط کالبدی در شکل‌گیری «حس خود»، معماری اقلیم گرم و خشک، ۲(۳)، ۹۷-۱۰۸.
- محمودیان، علی‌اکبر (۱۳۸۴). نگاهی به تهران از آغاز تاکنون، به کوشش هوشنگ قاسمی و دیگران، تهران: گیتاشناسی.
- مدرسی طباطبائی، حسین (۱۳۵۰). قم در قرن نهم هجری، قم: مؤلف.
- مشکور، محمدجواد (۱۳۹۴). جغرافیای تاریخی ایران باستان، تهران: دنیای کتاب.
- مصباح یزدی، محمدتقی، جامعه و تاریخ از نگاه قرآن، <https://mesbahyazdi.ir/node/4691>
- معروف، ناجی (۱۳۹۳ق). علماء النظامیات و مدارس المشرق الاسلامی، بغداد: جامعه بغداد.
- مکارمشیرازی، ناصر (۱۳۷۷). اخلاق در قرآن، مدرسه الامام علی بن ابی طالب (ع)، قم، چاپ اول.
- منعل قمی، نورالدین علی (۱۳۵۳). تذکره مشایخ قم، قم: به کوشش و چاپ: مدرسی طباطبائی.
- موسوی‌اصفهانی، محمدصادق (۱۳۶۳). تاریخ گیتی‌گشا، چ ۲، تهران: اقبال.
- مهاجر، جعفر (۱۳۸۷). رجال الاشرعیین من المحدثین و اصحاب الائمه علیهم السلام، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی ۱۴۲۹.
- مؤسسه جغرافیایی گیتاشناسی (۱۳۸۷). تاریخچه تهران، (ویراست ویرایش دوم)، تهران: مؤسسه جغرافیایی و کارتوگرافی گیتاشناسی.
- نصری‌اشرفی، جهانگیر (۱۳۹۹). دانشنامه تبرستان و مازندران، جلد ۳، تهران: نشرنی.
- نویدر، محمد؛ نجفیان رضوی، لیلا؛ مهدوی دامغانی، محمود (۱۳۹۹). تأثیر محیط اجتماعی نیشابور بر نگارش امالی شیخ صدوق. پژوهشنامه تاریخ اسلام، ۱۰(۳۷)، ۵-۲۴.
- یزدان‌پناه لموکی (۱۳۸۷). طیار، تاریخ مازندران باستان. چ ۳. تهران: نشر چشمه، گیلگمش.
- Haque, A, Mohamed, Y, 2015, Psychology of Personality: Islamic perspective, Third Edition, Savalane, Press. 288P